

# بحثی دربارهٔ معبد چهارستونی بردنشانده و معبد بزرگ مسجد سلیمان\*

عباس رضائی‌نیا

درآمد

حکومت خودمختار ایلمایی که خاستگاه اصلی آن کوه‌های شمال شرقی خوزستان بوده است از اواسط سدهٔ دوم ق.م کوس استقلال‌طلبی نواخت و توانست خود را از سلطهٔ سلوکیان برهاند. ایلماییها نه تنها با شاهان سلوکی به نبرد پرداختند، بلکه در مقابل شاهان اشکانی نیز ایستادند و توانستند تا اوایل سدهٔ سوم میلادی به حیات سیاسی خود ادامه دهند.

در متون تاریخی به گنجینه‌های معابد ایلمایی اشاره شده است، معابدی که فرمانروایان حریص و زیاده‌خواه سلوکی و اشکانی سودای غارت آنها را در سر می‌پروراندند. این پرستشگاهها، که نیایشگران فراوان آنها نشان از اهمیت معابد و اعتقادات مذهبی این قوم داشته، گویا از نمونه‌های شاخص و برجستهٔ معابد ایلمایی بوده است. در پرتو کاوشهای باستان‌شناختی بسیار محدود در سرزمین ایلمایی باستان معابدی ایلمایی در کوه‌های پختیاری آشکار شده، که شناخت ما از آنها محدود به کاوشهای اشتهای و گیرشمن در شمی، بردنشانده و مسجد سلیمان است. معابد شمی، چهارستونی، آتاء، هرکول و سکوه‌های نیایش صغفه بردنشانده و صغفه مسجد سلیمان که همگی بر صفه‌ای واقع شده از جمله پرستشگاههایی است که مراسم مذهبی در آنها هم در فضای باز و هم در معابد صورت می‌گرفته است. این مجموعه بناها از معدود معابد عصر اشکانی است که تاکنون در فلات ایران کشف شده و از نمونه‌های شناخته‌شدهٔ معابد ایلمایی در منطقهٔ خوزستان است که ما را با معماری مذهبی و باورهای دینی این قوم آشنا می‌کند.

در این مقاله معبد چهارستونی بردنشانده و معبد بزرگ مسجد سلیمان از نظر آیینی بررسی و کوشش شده خواهد و مدارکی که کارشناسان این محله‌ها برای مشخص کردن هویت ایزدان این معابد به آنها استناد کرده، با تکیه بر عقاید دینی ایلماییها، تحلیل تطبیقی معماری و اشیای کشف‌شده از این محله‌ها نقد و بررسی و پرسشهایی در این زمینه طرح شود.

## بردنشانده

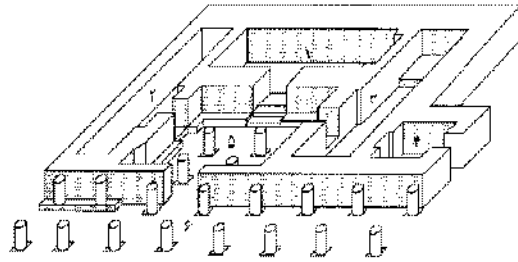
بردنشانده منطقه‌ای کوهستانی است در ۱۶ کیلومتری شمال شرقی مسجد سلیمان، که بر سر راه این شهر به سد شهید عباسپور بر رودخانهٔ کارون واقع شده است (نقشهٔ ۱). کارشهای باستان‌شناختی در این محل در سالهای ۱۹۶۶-۱۹۶۹ به سرپرستی رومن گیرشمن صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

صغفه بردنشانده مستطیل‌شکل است و از سنگهای کوچک و بزرگ تراشیده‌ای ساخته شده که این سنگها ابعاد و اشکال یکسانی ندارد.

## حاشیه

\* از آقای دکتر تالیور شهبازی و آقای چگینی که دست‌نویست این مقاله را خواندند و نگارنده را از نظریات ارزشمند خود بهره‌مند ساختند بسیار سپاسگزارم.

1. H. Ghirshman, *Terrasses sacrées de Bard-e Nechandi et Masjid-i Solaiman*, 2 vols., MDAI, Paris, 1976, vol. 1, p. x.



طرح ۱. ایزومتری معبد چهارستونی بردشاندِه

Fig. 1. Isometric view of the four-column temple at Hard-e Neshandeh

نفوس انسانی تزئین شده به صورت هرم معکوس با قاعده چهارضلعی و ناقص است (تصویر ۳، طرح ۲). این سرستون ۵۳ سانتی متر ارتفاع دارد. عرض آن در قسمت تحتانی ۴۴ سانتی متر و در قسمت فوقانی ۵۰ سانتی متر است.<sup>۲</sup> قسمت تحتانی سرستون به صورت نوار باریک برجسته و بخش زیرین آن به شکل صفحه‌ای مدور در آمده است. در قسمت تحتانی سرستون حفره‌ای چهارگوش و در قسمت فوقانی آن حفره کوچکی برای اتصال سرستون به قسمتهای دیگر ستون تعبیه شده است؛ به طوری که با زائده‌ای که بر قسمت میانی بالای ستون قرار دارد به صورت ترو ماندگی قفل و بست می‌شده است. بر چهاروجه سرستون چهار نقش انسانی به صورت تمام رخ تصویر

حاشیه

2. *Ibid.*, p. 13.

3. *Ibid.*, pp. 18-19, 39.

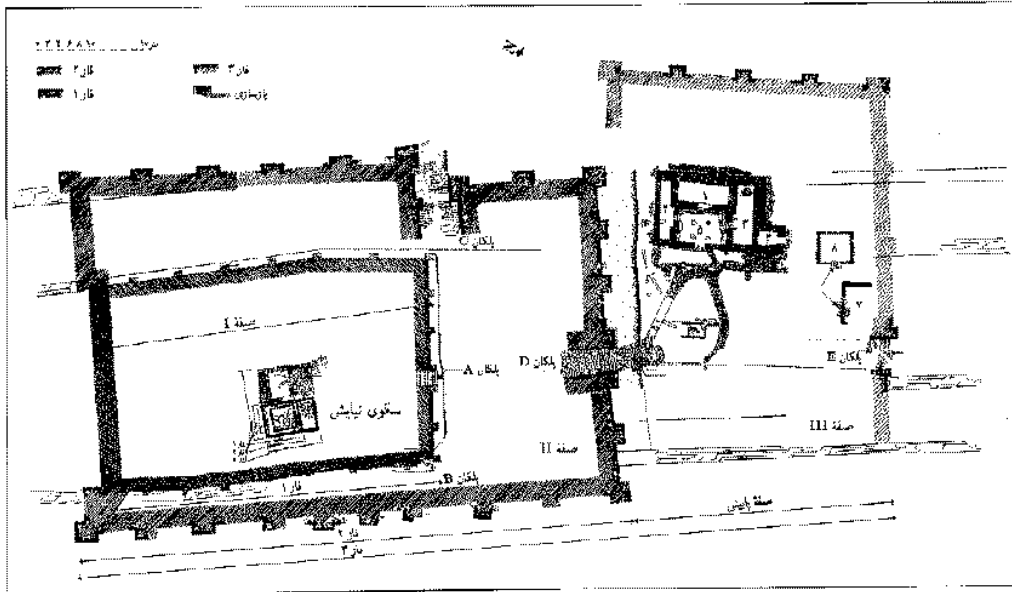
4. *Ibid.*, pp. 26-27.

5. *Ibid.*, pp. 39-40.

6. *Ibid.*, vol. 2, pl. 18, no. 171: pl. xxiv, nos. 1-4.

صفه، خشکه‌چین و بدون ملات ساخته شده است. نمای صغه که انگی تراش داده شده از پشت‌بندهایی تشکیل شده که در بنا سایه روشن ایجاد می‌کند (تصویر ۱). زاویه‌های صغه منطبق با جهت‌های اصلی است و صغه از شرق به کوه نکیه دارد. طول کل صغه ۱۵۷٫۳۰ متر و عرض آن ۷۲ متر است. صغه به دو بخش فوقانی (۱ و II) و تحتانی (III) تقسیم شده و در سه مرحله توسعه یافته است (نقشه ۲). در مرحله اول دو رشته پلکان در ضلع شمال غربی و زاویه شمالی ضلع شمال شرقی<sup>۱</sup> در مرحله دوم دو رشته پلکان در ضلع جنوب غربی و شمال غربی و در مرحله سوم یک رشته پلکان در ضلع شمال غربی صغه ساخته شده است.<sup>۳</sup> تنها بنایی که روی صغه فوقانی ساخته شده سکوی نیایشی است که در سه مرحله توسعه یافته است. این سکوی که از بلوکهای سنگی تشکیل شده، ۱۰٫۲۵ متر طول، ۶٫۸۲ متر عرض و ۱٫۱۰ متر ارتفاع داشته است.<sup>۴</sup>

بر صغه پایینی معبدی واقع شده که گیرشمن آن را معبد چهارستونی نامیده است (نقشه ۳، تصویر ۲، طرح ۱) زاویه‌های معبد برابر با جهات اصلی است. طول معبد در ضلع شمال شرقی و نمای معبد ۲۲٫۲۰ متر و عرض آن ۷٫۵۰ متر است. نمای معبد را روایتی تشکیل می‌دهد که کف آن سنگفرش و سقف آن روی ۱۶ ستون در دو ردیف هشت تایی استوار شده است. معبد تالاری چهارستونی (شماره ۵) به ابعاد ۷٫۲۵ × ۲٫۲۰ متر دارد. ستونهای آن به فاصله ۲٫۳۰ متر از یکدیگر قرار گرفته است. در سه طرف این تالار ستوندار سه اتاق مستطیل شکل (شماره‌های ۱، ۲، ۳) قرار گرفته که بین آنها راه ارتباطی وجود ندارد. هریک از این سه فضا از طریق یک ورودی به تالار راه دارد. در ضلع شمال غربی معبد اتاق شماره ۴ واقع شده که با یک ورودی در ضلع شمال غربی به فضای خارجی معبد می‌رسد. ارتفاع پانزده دیوارهای معبد بین ۸۰ سانتی متر تا ۱ متر است. در بخش زیرین دیوارها از سنگهای کوچک تراشیده و در بخش فوقانی آنها، که اکنون از بین رفته، از خشت استفاده شده است.<sup>۵</sup> از رواق معبد فقط دو سرستون به دست آمده که با نقوش انسانی و گیاهی تزئین شده است. سرستونی که با



نقشه ۲. صفا بردنشاندۀ، مرحله ۱-۳

Map 2. The Bard-e Neshandeh platform, phases 1-3

لباس وی بلند و چین دار و تا زیر زانوست و به نظر می رسد شانه راست او برهنه باشد. او نیزه‌ای در دست راست و جامی در دست چپ دارد. بر وجه دیگر سرستون (وجه B) مردی به صورت ایستاده تصویر شده که در دست راست خود نیزه دارد، دست چپ را به سیر تکیه داده و لباس بلندی بر تن دارد که تا زیر زانوی او را پوشانده است. بالاتر لباس ساده و بدون چین و پایین تنه آن با چینهای عمودی مورب به صورت دو تکه نشان داده شده است. بر وجه سوم (وجه C) مردی به حالت ایستاده نقش شده که لباس پرچینی بر تن دارد. وی دست راست خود را برای ادای احترام بلند کرده، در حالی که کف دست او به طرف بیرون باز شده است و در دست چپش میوه‌ای شبیه کاج گرفته است. بر وجه چهارم سرستون (وجه D) نیز مردی را به حالت ایستاده می بینیم که کلاهی بر سر دارد، دست راست خود را بلند کرده و در دست چپ میوه‌ای شبیه کاج دارد. در هر چهار نقش چشمها بسته و حالت صورتهای نشان دهنده نوعی تقدس است. صورت مردان کشیده و با ریش و سبیل بلند نقش شده، پاها و دستها تناسبی با بدن ندارد و پاها از ناحیهٔ مچ به پایین نشان داده شده است.

گیرشمن زن و مردی را که بر وجه A و B سرستون رؤای معبد چهارستونی نقش شده‌اند آناهیتا و میترا تشخیص داده و معبد را به آنان منسوب کرده<sup>۷</sup> و بر اساس سکه‌های الیمایی کشف شده از این معبد آن را به سده دوم میلادی تاریخگذاری کرده است.<sup>۸</sup>

حاشیه

و با دو نوزین ماریجینی قاب گرفته شده است. بر یک وجه آن (وجه A) زنی نقش شده که روی تختی نشسته، صورتی گوشه‌آلود و گوشواره‌هایی سنگین دارد و موهای سرش را با روبانی بسته است.

7. *Ibid.*, vol. 1, p. 46.

8. *Ibid.*, p. 46.

### مسجد سلیمان

بنای سر مسجد معروف به صفة مسجد سلیمان در حاشیه شمالی این شهر قرار گرفته، که در ۱۵۰ کیلومتری شمال شرق اهواز واقع است (نقشه ۱). در سال ۱۹۴۸ یک فصل کاوش باستان‌شناختی در این محل (در ضلع جنوبی صفة) به سرپرستی گیرشمن انجام شد. پس از هجده سال وقفه وی مجدداً از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ به مدت شش فصل در این محل به کاوش پرداخت.<sup>۹</sup>

صفة مسجد سلیمان که مطابق با جهات اصلی ساخته شده (نقشه ۳، تصویر ۴ الف) از غرب به کوه تکیه دارد و از شمال، شرق و جنوب با سنگهای کوچک و بزرگ صفة‌سازی شده است. این سنگها به صورت خشکه‌چین روی هم قرار گرفته و با پشت‌بندهایی تقویت شده و نمای آنها اندکی تراش داده شده است (تصویر ۴ الف، ب، ج). صفة یازده رشته پلکان دارد که در دو مرحله ساخته شده، مرحله اول شامل صفة ۱ و مرحله دوم شامل صفههای II تا VI است.<sup>۱۰</sup> روی صفة I سکوی نیایشی به ابعاد ۸٫۱۲ × ۷ متر و ارتفاع ۱٫۴۰ متر ساخته شده که در نهایت تبدیل به یک بنای سه‌ایوانی شده است شامل یک ایوان مرکزی و دو ایوان جانبی.<sup>۱۱</sup> بر صفة V دو معبد به دست آمده

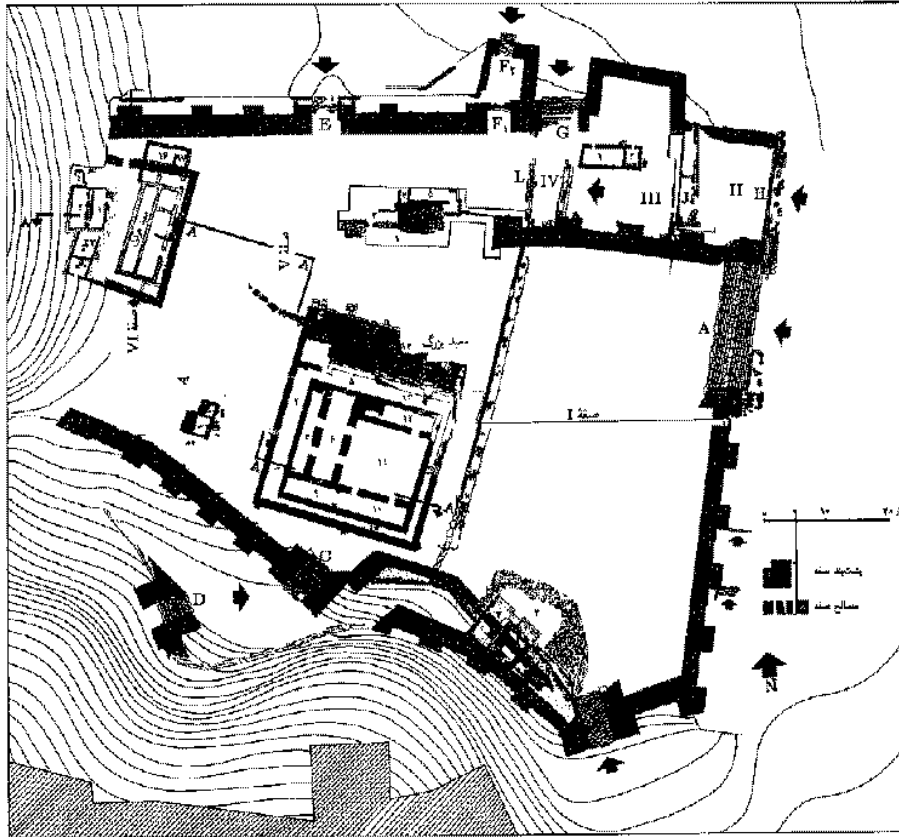
که گیرشمن آنها را معبد هرکول و معبد بزرگ نامگذاری کرده است. معبد بزرگ در سه مرحله توسعه یافته که مرحله سوم آن خود به دو مرحله a و b تقسیم شده است. زاویه‌های معبد منطبق با جهات اصلی است (نقشه ۵، طرح ۳، تصویر ۵). طول معبد از زاویه جنوبی تا زاویه شرقی ۳۱ متر و از زاویه جنوبی تا زاویه غربی ۳۳ متر است. در نمای معبد (ضلع شمال شرقی) روایی به طول ۲۴٫۵۲ متر ایجاد شده که سقف آن بر سه ردیف ستون استوار است. ردیف خارجی آن از ۸ ستون، ردیف میانی از ۷ ستون و ردیف داخلی از ۶ ستون تشکیل شده است. در طول دیوار شمال شرقی معبد نیز سکوهایی بنا شده بود. قسمت مرکزی معبد را راهروهایی احاطه کرده که عرض آنها متفاوت است، به طوری که راهروی ۳ متری شمال غربی (شماره‌های ۱ و ۲) و راهروی ۲٫۴۰ متری شمال شرقی (شماره‌های ۱۳ و ۵)، عریض‌تر از راهروی ۱٫۴۵ متری جنوب غربی (شماره ۱۶) و راهروی ۱٫۲۵ متری جنوب شرقی (شماره ۱۵) است. کف راهروهای شمال غربی و شمال شرقی، که عریض‌تر است، سنگفرش بوده و در طول دیوارهای درونی این دو راهرو سکو وجود داشته است. این ویژگی

### حاشیه

9. *Ibid.*, pp. ix-x.

10. *Ibid.*, pp. 55, 72.

11. *Ibid.*, pp. 64-66.



نقشهٔ ۴. صفاة مسجدسليمان، مرحلهٔ ۱-۶

Map 4. The Masjid Soleyman platform, phases 1-6

ابعاد و محور قبلی همان اتاق را به اتاق محراب (شمارهٔ ۴) مرتبط می‌کند، کف این دو اتاق نیز سنگفرش بود. در اتاق محراب (شمارهٔ ۴) دو سکوی نیاپش به ابعاد  $10 \times 2$  متر برپا شده بود.<sup>۱۲</sup> دیواره‌های بنا از سنگ و ملات ساروج و خاک رس است.<sup>۱۳</sup>

در کاوش رونق معبد بزرگ جمعاً سه سرستون به دست آمده است. یکی از آنها سرستون شکسته‌ای است که احتمالاً چهارگوش بوده و زوایای آن گرد شده است. بر سه وجه این سرستون نیم‌تختهٔ زنی نقش شده که کاوشگر آن را آناهیتا دانسته است (تصویر ۶، طرح ۴ الف). وجه A کسترین آسیب و وجه B و C بیشترین آسیب را دیده است. صورت نیم‌تختهٔ وجه A از بین رفته و موهای آن با نوازی بسته شده که

حاشیه

12. *Ibid.*, pp. 103-108.

13. *Idem*, "Maajid-i Solaiman", *Comptes rendus de l'Academie des inscriptions et belles-lettres (CRAI)*, 1969, pp. 482, 485.

نشان‌دهندهٔ مهمتر بودن این دو راهرو از دو راهروی دیگر است. بنا چهار ورودی دارد که دو ورودی آن در زاویهٔ شرقی و غربی ضلع شمال شرقی و دو ورودی دیگر یکی در وسط راهروی جنوب شرقی (شمارهٔ ۱۵) و دیگری در وسط راهروی شمال غربی (شماره‌های ۱ و ۲) ایجاد شده است. ورودی زاویهٔ شرقی ورودی اصلی بنا بوده است که از طریق سه پله سنگی به فضای داخلی بنا متصل می‌شود.

قسمت مرکزی معبد شامل یک دهلیز (شمارهٔ ۱۲) به ابعاد  $10 \times 3$ ، یک حیاط (شمارهٔ ۱۱) به ابعاد  $12.80 \times 14.35$  متر، پیشخان محراب (شمارهٔ ۶) به ابعاد  $4.28 \times 16.92$  متر، محراب (شمارهٔ ۴) به ابعاد  $2.58 \times 15.40$  متر، اتاق شمارهٔ ۱۰ به ابعاد  $4 \times 13.68$  متر و اتاق شمارهٔ ۹ در جنوب غربی حیاط است.

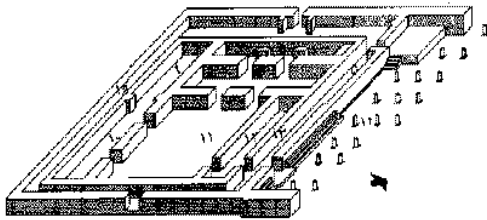
دسترسی به حیاط از طریق دهلیز شمارهٔ ۱۲ مقدور بوده، کف حیاط سنگفرش و در طول چهار دیوار آن سکوهایی ایجاد شده است. دو ورودی به عرض  $1.80$  متر حیاط را به پیشخان محراب (شمارهٔ ۶) مربوط می‌کند. دو ورودی دیگر با همان

جدا شده باشند (طرح ۴ ب). در وجه B فقط دست راست نیم‌تنه و در وجه C تنها قسمتی از موی سر رویان و گردن‌بند آن دیده می‌شود. در تاق بین‌سخان محراب (شماره ۶) معبد بزرگ یک پلاک مفرغی به طول و عرض ۶۶ سانتی‌متر کشف شده است (تصویر ۷) که بر روی آن دو نقش انسانی دیده می‌شود. در سمت راست مردی نقش شده که کلاه و آرایش موی او به خوبی مشخص نیست. وی نیزه‌ای

در دو طرف گردن آویخته است. زن گوشواره‌هایی بر گوش و گردن‌بند قطوری بر گردن دارد. در دست چپ او جامی ست که گیرشمن آن را نکوک دانسته است و در سمت راست آن شیشی دیده می‌شود که گیرشمن از آن با عنوان سون کوچک یاد کرده<sup>۱۴</sup> اما به نظر نگارنده بخوردان سرپوشدار است و احتمال دارد سه نیم‌تنه با بخوردان از هم

حاشیه

14. *Idem, Terrasses sacrées de...*, vol. 1, pp. 111-112, pl. 32, no. 33.



طرح ۳. ایزومتری معبد بزرگ مسجدسلیمان

Fig. 3. Isometric view of the Grand Temple at Masjid Soleyman

مورد تنگ زیر با جول و شیرینوموری ایذه<sup>۱۵</sup> هم دیده شده. علاوه بر این در اوستا اشارهای به چنگاوری آناهیتا، توصیف شمایل جنگی یا شرکت او در جنگها نشده و بندهای متعدد آبان پشت حکایت از یاری خواستن از آناهیتا دارد. چنانکه سواران، میوزان، زنان ناز، زرتشت و شاهان اسطوره‌ای ایران از آناهیتا درخواست کامیابی در امور عالم کرده‌اند. از سوی دیگر آناهیتا ایزدانوی آب، فراوانی و برکت است و پایگاه او در کنار رودها و دریاهاست<sup>۱۶</sup> و میترا ایزد روشنایی و عهد و پیمان و خانهٔ او بر فراز کوه البرز است<sup>۱۷</sup> و تاکنون اختصاص یک معبد به دو ایزد در بناهای مذهبی ایران دیده نشده است. البته این احتمال نیز وجود دارد که شمایل ایزد یا ایزدان در بنا به کار گرفته شود بی آنکه لزوماً بنا متعلق به آنان باشد. گیرشمن نقش وجه B سرستون را ایزد میترا معرفی کرده که کلاه فریجی بر سر دارد<sup>۱۸</sup> اما از نظر نگارنده این مرد دستاری بر سر دارد که دنبالهٔ آن از روی گوشها بر دو طرف شانه‌ها آویزان است. از طرفی هم ایزد مهر کلاهی بر سر دارد که نوک آن به جلو خم شده و گاهی گرداگرد کلاه مهر، هالهٔ نور یا پرتو خورشید دیده می‌شود.<sup>۱۹</sup>

حاشیه

15. *Ibid.*, pp. 117-118.

16. C. Auge, R. Curiel, and G. LeRider, *Terrasses sacrées de Bard-e Nechandeh et Masjid-i Soleyman: les trouvailles monétaires*, MDAI, Paris, 1979, pp. 133-135.

۱۷. کاوشگر همچنین کاربرد مجموعه صغهای بردنشانده و مسجدسلیمان را اجرای مراسم مذهبی دین زرتشت تصور کرده است. برای آگاهی بیشتر رک. پایان‌نامه نگارنده با عنوان: معماری مذهبی اشکانی در خوزستان، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

18. L. Vandenberghé and K. Shippmann, *Les reliefs rupestres d'Elymaïde (Iran) de l'époque parthe*, *Iranica Antiqua*, supplément III, Gent, 1985, p. 135, pl. II, 23.

19. J. Mehrkian, "Découverte de nouveaux bas-reliefs d'Elymaïde", *Dossiers d'archéologie*, 243, p. 61.

۲۰. ابراهیم یورداد، پشته‌ها، تهران، طهوری، ۱۳۲۷، ص ۱۶۷-۱۶۶، اوستا که‌ترین سرودها و منتهای ایرانی، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۷۰، جلد اول، ص ۲۱۷-۲۱۷.

۲۱. ابراهیم یورداد، آناهیتا، بنیاد گنتار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲، ص ۱۰۱.

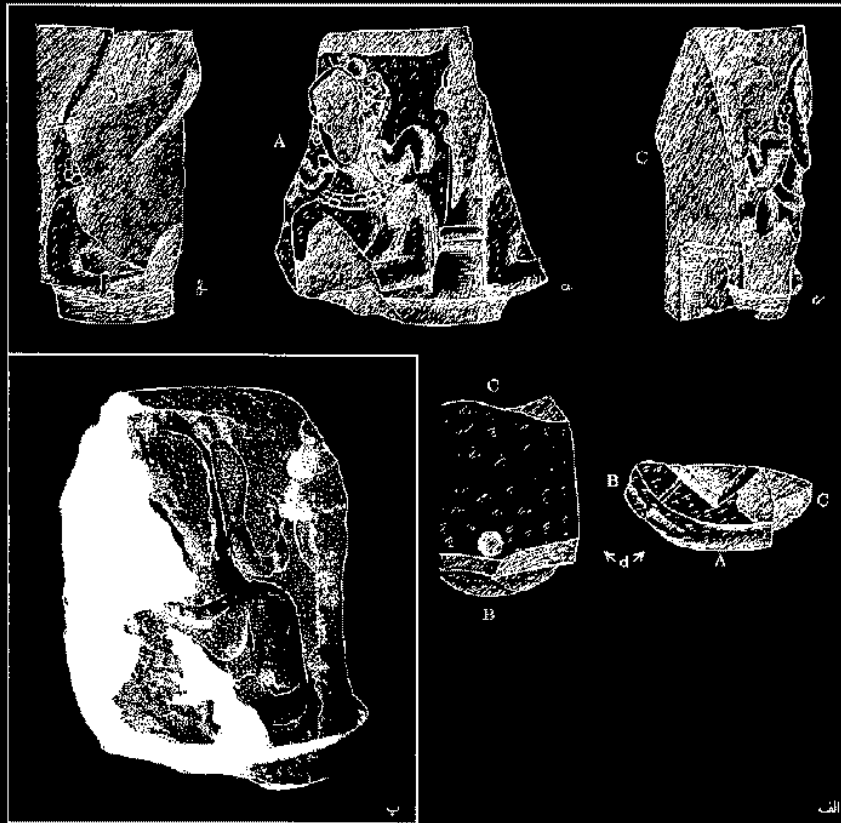
22. Ghirshman, *op. cit.*, p. 46.

۲۳. بنگرید به نقوش مربوط به مهر در هاشم رخی، آیین مهر، میتراکسیم، تهران، بهجت، ۱۳۷۱.

در دست راست دارد و دست چپ را روی سیری گذاشته که به زمین تکیه داده است. در طرف چپ پلاک زنی نقش شده که دست راست خود را بالا برده، ولی زنگ‌زدگی فلز مانع از آن است که نیزه‌ای که احتمالاً در دست دارد به خوبی تشخیص داده شود. در دست چپ او به تعبیر گیرشمن یک ماهی دیده می‌شود. گیرشمن نقوش انسانی این پلاک را آناهیتا و میترا دانسته، و به استاد سرستون رواق معبد، پلاک معرفی و دو سکویی که از اتاق محراب معبد به دست آمده معبد را به آناهیتا و میترا منسوب کرده است.<sup>۱۵</sup>

سکه‌های الیمایی و ساسانی کشف‌شده از دهلیز شمارهٔ ۱۲ تاریخگذاری معبد بزرگ را به تاریخی بین سدهٔ اول میلادی تا اواسط سدهٔ چهارم میلادی ممکن کرده است.<sup>۱۶</sup>

چنانکه گفتیم گیرشمن معبد چهارستونی بردنشانده و معبد بزرگ مسجدسلیمان را به ایزدان زرتشتی نسبت می‌دهد<sup>۱۷</sup> و نقوش وجه A و B سرستون معبد چهارستونی بردنشانده را آناهیتا و میترا می‌داند. دلیل او برای انتساب نقوش زن به ایزدانوی آناهیتا جام و نیزه‌ای است که در دست دارد. اما این استدلال چندان محکم و کافی به نظر نمی‌رسد، زیرا جام نمادی مذهبی است که در نقوش برجسته‌های الیمایی نظیر نقوش برجسته‌های تنگ سروک II، تنگ بتان شیمبار<sup>۱۸</sup> نقوش برجسته



طرح ۴. الف) سرستون یا نقش نیم‌تخته زن، رواقی معبد بزرگ مسجدسلیمان؛ ب) طرح پیشنهادی نگارنده از نیم‌تخته زن سرستون رواق معبد بزرگ  
 Fig. 4. a) Column capital with the bust of a woman, the arcade of the Grand Temple at Masjid Solcyman; b) The author's proposed rendering of the latter

بر سرستون معبد چهارستونی بردنشانده که نیزه و سپری در دست دارد و وی آن را نیز میترا معرفی کرده است. به نظر می‌رسد که این تفسیر مستند نیست و بدون توجه به جزئیات نقوش پلاک مطرح شده است. در وضعیت کنونی بکره‌ها فقط ترتیب کلی نقوش مشخص است و حتی تشخیص جنسیت آنها مشکل است. تا چه رسد به اینکه بخواهیم آنها را به آناهیتا و میترا نسبت دهیم، زیرا خوردگی فلز جزئیات نقوش را از بین برده است. تفسیر گیرشمن از نقش ماهی نیز مستند نیست و از نظر نگارنده چنین نقشی بر پلاک دیده نمی‌شود. کارشناسان موزه تورون هم که این پلاک را پاک کرده‌اند، نظر داده‌اند که این شخصیتها آناهیتا و میترا نیستند.<sup>۲۵</sup> با توجه به این موارد، برای انتساب دو سکوی نیایش

علاوه بر این، ساختار معماری در معابد مهری ثابت و یکسان بوده است. ترکیب اصلی آنها شامل راهرویی مرکزی است که در طرفین آن نیمکتهایی ساخته شده و در انتهای معبد، محراب قرار گرفته که میترا را در حال قربانی گاو نشان می‌دهد.<sup>۲۶</sup> بنابراین معابد مهری از سنتهای معماری ایرانی بهره نگرفتند. معبد چهارستونی بردنشانده نیز الگوی معابد مهری را نشان نمی‌دهد.

به نظر می‌رسد دلایل گیرشمن برای انتساب معبد بزرگ مسجدسلیمان به آناهیتا و میترا کافی نیست. یکی از دلایل وی وجود سرستونی است که نیم‌تخته زنی روی آن حجاری شده است، ولی او برای انتساب این نقش به آناهیتا مدرک معتبری ارائه نمی‌دهد. وی دو شخصیت پلاک مفرغی از آناهیتا و میترا معرفی کرده، بکره سمت چپ را آناهیتا دانسته و تعبیر او از نقشی که بین دو شخصیت دیده می‌شود ماهی است و آن را نماد آناهیتا دانسته است. دلیل او برای منسوب کردن بکره سمت راست پلاک به میترا، شباهت آن با نقش مردی است

حاشیه

۲۲. مارین ورمارون، آیین مهر، میتراپسدم، تهران، چشمه، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱.  
 ۲۵. مری بویس و فرانتس گرتر، تاریخ کیش و روشنته، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، طوس، ۱۳۷۵، ج ۳، جلد ۳، ص ۶۲، بی‌نهایت ۶۰.



بنابراین از طریق مقایسه نمی‌توان عملکرد واقعی معبد چهارستونی و معبد بزرگ مسجدسلیمان را مشخص کرد و ساختار معماری مدرک قابل‌قبولی برای توضیح کاربری این معابد نیست.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که در نقشه معبد بزرگ مسجدسلیمان و معبد چهارستونی بردنشانده، که از نظر زمانی و مکانی همسانی زیادی دارند و گیوشمن هر دو را به آناهیتا و میترا نسبت داده، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود.

چنانکه گفتیم گیرشمن کیش الیماییها را زرتشتی دانسته، حال آنکه مدارک و شواهد به جای مانده از دین الیماییها که به آنها اشاره می‌کنیم نشان می‌دهد که آنها گرایش به کیش زرتشت نداشتند. به طوری که در متون تاریخی، بر مقدس بودن ایزدان سامی و یونانی نزد الیماییها تأکید شده است. نویسندگان کلاسیک از جمله شاهان سلوکی و اشکانی به الیمائیس و غارت معابد آنها گزارش داده‌اند.

استرابو، دیودوروس و ژوستین معبد بعل را معبدی معرفی کرده‌اند که آنتیوخوس سوم در سال ۱۸۷ ق م برای غارت آن به سرزمین الیمائیس لشکر کشید.<sup>۲۸</sup> جوزبیوس و پولیبوس این معبد را معبد آرتیمیس می‌دانند.<sup>۲۹</sup> استرابو و ژوستین معابدی را که در سال ۱۳۸۹ ق م به دست مهرداد یکم غارت شده به آتنا و آرتیمیس نسبت داده‌اند.<sup>۳۰</sup> یا توجه به این مطالب می‌توان گفت که الیماییها احتمالاً ایزدان سامی و یونانی را می‌پرستیدند و بر این دانستن این ایزدان با ایزدان ایرانی جای تأمل و نیاز به مدارک مستند دارد و تا زمانی که دلیلی برای رد گفته‌های تاریخی نداریم می‌توانیم به آنها اعتماد کنیم. بررسی سکه‌ها اطلاعات بیشتری از دین الیماییها به دست می‌دهد.

سکه‌های الیمایی نفوذ مذهب یونانی را نشان می‌دهد و ایزدان یونانی مانند: آپولون، آرتیمیس و آتنا بر آنها نقش شده است. برای مثال سکه‌های کنسکیرس یکم نیکه‌پور (نیمه سده دوم ق م) آپولون را نشان می‌دهد که بر روی سیرتسسته است.<sup>۳۱</sup> و نمونه‌های بسیار دیگری که مجال بحث آنها در این مقاله نیست. بر سکه‌های الیمایی ساداهای زرتشتی دیده نمی‌شود.

#### حاشیه

26. Ghirshman, *op. cit.*, p. 283.

27. *Ibid.*, pp. 188-189.

28. Strabo, XVI, 1, 18; Diodoros, xxviii, 3, xxxix, 15; Justin, XXXII, 2, 1-2; cited by Vandenberghe and Shippmann, *op. cit.*, p. 14.

29. Polybius, XXXI, 99; Josephus, XII, 9, 359; cited by J. Hansman, "The Great Gods of Elymais", *Acta Iranica X*, 1985, pp. 232, 235.

30. Strabo, XVI, 1, 18, 744; Justin, XLI, 6, 3; cited by Vandenberghe and Shippmann, *op. cit.*, pp. 155-168.

31. G. Hill, *A Catalogue of the Greek Coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, London, British Museum, 1922, p. CLXXXVII, pl. LIH.6; G. LeRider, *Suse sous les Seleucides et les Parthes*, Mémoires de la Mission archéologique en Iran XXXVIII, Paris, Geuthner, 1965, p. 358, pl. VII.85; Auge, *et al.*, *op. cit.*, p. 51, pl. 3.1.

اتاق محراب به آناهیتا و میترا دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد و همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم نپایش دو ایزد در یک معبد تاکنون دیده نشده است. گفتیم که معبد چهارستونی بردنشانده بر اساس سنت معماری ایرانی<sup>۳۲</sup> و به صورت تالار چهارستونی است که در جلو آن رواق ستوندار و در پشت آن اتاق مستطیل‌شکلی قرار گرفته است. در طرفین این تالار دو اتاق با درازای زیاد دیده می‌شود. طرح چهارستونی در بسیاری از بناهای مذهبی دوره اشکانی نظیر معبد فرته‌دار تخت جمشید، آبادانای شوش، معبد کوه خواجه، معبد سرخ کتل و معابد نبطی سوریه (معابد سی، سوروسح) دیده می‌شود. حتی در دوره ساسانی هم چنین ترکیبی در معبد لایه چهارم شوش و معابد سعیدی پنجکنت دیده شده است.

بخش اصلی معبد بزرگ مسجدسلیمان تیرکه از یک پیشخان محراب و محراب تشکیل شده از ویژگیهای معابد دوره بابلی جدید و نشان‌دهنده سنت معماری مذهبی میانرودان است.<sup>۳۳</sup> در دوره سلوکی و اشکانی استفاده از نقشه بابلی در ساخت معابد میانرودان رایج بوده، به طوری که در ساخت معابد ژئوس مگیستوس، آرتیمیس، آتارگاتیس و آدونیس دوراوریوس، معبد A آشور، آناتوم اوروک، هرکول مسجدسلیمان و معبد کنگره‌دار آبی‌خانم از نقشه بابلی استفاده شده است.

مقایسه معبد چهارستونی بردنشانده با معابد کوه خواجه، سرخ کتل و معابد نبطی سوریه و مقایسه معبد بزرگ مسجدسلیمان با معابد دوره سلوکی و اشکانی که با نقشه بابلی ساخته شده نشان می‌دهد که این معابد، به رغم الگوی معماری ایرانی و بابلی، به ایزدان گوناگون تعلق داشته است. به عبارت دیگر نوعی استاندارد شکلی و نه استاندارد عملکردی در ساخت معابد مشاهده می‌شود. به طوری که از نقشه واحد برای ساختن معابد ادیان گوناگون استفاده شده است.

در سالی که بر سکه‌های شاهان ایالت پارس (فرته‌داران) که در همسایگی ایلامی واقع شده نقش نیایشگرانی را می‌بینیم که در برابر آتش ایستاده‌اند یا نقش نیم‌تنه انسان بالدار که بر فراز آتش واقع است.<sup>۳۲</sup> بر نقش برجسته‌های ایلامی نقش ایزدان متعددی حجاری شده که به دلیل کیفیت ضعیف حجاری، سطحی بودن نقوش و فرسایش، شناخت جزئیات آنها میسر نیست و فقط طرح کلی از آنها به جا مانده است. همین امر سبب شده تا هویت واقعی این ایزدان تاکنون مشخص نشود. تنها ایزدی که هویت آن محرز است هرکول در تنگ بنان شیبمار و تنگ سروک I است که عریان ایستاده و در دستان خود گوز و جامی دارد. نقش برجسته تنگ سروک II (Ana بر اساس نامگذاری هینینگ) که هینینگ آن را صحنه تاج‌ستایی شاه ارد معرفی کرده،<sup>۳۳</sup> شاه ایلامی را نشان می‌دهد که روی تختی لمبیده و حلقه قدرت در دست دارد. این نقش برجسته سه ایزد را نشان می‌دهد که محققان در مورد هویت آنها هم‌عقیده نیستند. در دست راست شاه، ایزدی ایستاده، دست راست خود را بر شانه شاه گذارده و «شاخ فراوانی» در دست چپ دارد. هینینگ<sup>۳۴</sup> و هانسن<sup>۳۵</sup> آن را ایزد بعل و سیریگ آن را اهورامزدا بعل می‌دانند.<sup>۳۶</sup> در طرف چپ شاه دو ایزد نشسته‌اند که هر دو تیرزه در دست دارند. بر سر یکی از آنها کلاه خود و بر سر دیگری تاجی قرار دارد که شعاعهایی از آن ساطع می‌شود. برخی از پژوهشگران آنها را آنتا و آرتیس (راست به چپ)<sup>۳۷</sup> و برخی دیگر آنها را آناهیتا (آنتا) و میترا (هلیوس) معرفی کرده‌اند.<sup>۳۸</sup> فرای هر دو شخصیت را مؤنث می‌داند و شعاعهای تابنده از سر نفر دوم (سمت چپ) را همانند آنچه بر سکه‌های ایلامی ظاهر شده مربوط به تاج می‌داند که پرتوهای ایزدی.<sup>۳۹</sup> به نظر می‌رسد گفته‌های فرای به واقعیت نزدیکتر است. اما هانسن اعتقاد دارد که آنها ایزدان بومی ایلامیها، ایزدانوی جنگ و ایزدخورشید، هستند.<sup>۴۰</sup>

بر بالای گوردخمه‌های «شی‌من» و «فاله» در ایزد و مقبره بالمیری (مقبره جنوبی) جزیره خارک نقش برجسته صاحب آرامگاه به صورت لمبیده روی تخت دیده می‌شود که بازتابی از مشخصه‌های بارز سبکی و موضوعی هنر بالمیری است. کاوشهای باستان‌شناختی در مسجدسلیسان معابدی را آشکار ساخته که به ایزدان یونانی هرکول و آنتا تعلق داشته است.<sup>۴۱</sup> بر بدنه تابوتهای آرامگاه شماره ۱ کلالک شوشتر نیز نمادهای یونانی نظیر نقش درخت سو و خوشه‌های انگور<sup>۴۲</sup> همانند تزیینات معبد بعل در بالمیر دیده می‌شود. همچنین در کاوشهای آرامگاه صالح داود نزدیک ایوان کرخه مهرهایی با نقوش ایزدان یونانی به دست آمده است.<sup>۴۳</sup> در مجموع مدارک و شواهد ارائه‌شده درباره باورهای ایلامی، گرایشهای یونانی و ساسی را نشان می‌دهند و هیچ شواهدی از کیش زرتشتی در میان آنان نیست. به نظر می‌رسد ایلامیها در عین داشتن اعتقادات بومی در برابر موجهای یونانی از یک سو و موجهای ساسی از سوی دیگر قرار داشته‌اند. یکی از عوامل نفوذ عقاید ساسی و یونانی را در میان ایلامیها باید ارتباط تجاری آنها با میانرودانها و به‌خصوص بالمیران دانست.

بدین‌سان از نظر نگارنده دلایلی که گریشمن بری اثبات زرتشتی بودن ایلامیها آورده کافی نیست و شواهدی که در این مقاله آمده احتمال زرتشتی بودن ایلامیها را بعید و بسیار شک‌برانگیز می‌کند و نشان می‌دهد

که معابد، مربوط به ایزدان زرتشتی نیست و به آناهیتا و میترا تعلق ندارد، حتی اگر فرض کنیم که در فضای تقاطعی و اختلاط ادیان روزگار اشکانی، نام ایزدان یونانی و ساسی به ایزدان بومی (ایلامی) داده شده و منظور نویسندگان کلاسیک از ذکر ایزدان یونانی و ساسی همان خدایان محلی بوده که مورخان آنها را مطابق با فرهنگ خود معادل‌سازی کرده‌اند، چنین یکسان شماری ایزدان بر پایه دلایل محکمی استوار نیست. از سوی دیگر ایزدان معابد فوق شباهتی با ایزدان ساسی و یونانی ندارند. چنانکه در این بررسی مشخص شد در معبد چهارستونی بردنشانده و معبد بزرگ مسجدسلیمان نشانه‌ای از ایزدان یونانی و ساسی نیست، بنابراین احتمال دارد که ایزد یا ایزدان این معابد بومی (ایلامی) بوده باشند که نام آنها بر ما پوشیده است. با توجه به روحیه جنگجویی ایلامیها و مسلح بودن ایزدان می‌توان احتمال داد که ایزد این معابد ایزد جنگ یا ایزد محافظ بوده باشد.

همان‌گونه که گفتیم اطلاع ما از باورهای دینی ایلامیها آنچنان جامع و دقیق نیست که بتوانیم بر آن اساس هویت ایزد یا ایزدان معابد را به طور دقیق تعیین کنیم. به دلیل نداشتن اطلاعات مرتق درباره مذهب و ویژگیهای معماری ایلامی نمی‌توانیم به طور مشخص نظر بدهیم که این معابد وقف چه ایزداتی بوده است. تفسیر و تضایق دقیقتر نیازمند بررسی و کاوشهای باستان‌شناختی است. کمبود نسبی منابع تاریخی و شمار اندک مدارک باستان‌شناختی مربوط به ایلامیها سبب شده که اطلاع اندکی از فرهنگ این قوم در دست باشد. مسلماً زمانی می‌توانیم با قطعیت به تضایق و نتیجه‌گیری بپردازیم که از فرهنگ ایلامی شناخت بیشتری داشته باشیم.

حاشیه

32. Gill, *op. cit.*, pl. XXXIX-XXXIV, 1-5.
33. W. B. Henning, "The Monuments and Inscriptions of Tang-i Sarvak", *Acta Iranica* 15, 1977, pp. 169, 175.
34. *Ibid.*, p. 162.
35. Hansman, *op. cit.*, p. 237.
36. H. Seyrig, "Antiquités Syriennes, divinités de Ptolémaïs", *Syria* XXXIX, 1962, pp. 115-116.
37. H. Von Gall, "Entwicklung und gestalt des thronos in vor Islamisch en Iran", *AMl* 4, 1971, pp. 209-212; E. Dawale, "Nouvelle introduction aux reliefs rupestres de Tang-e Sarvak", in *Proceedings of the 2<sup>nd</sup> Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, F. Bagherzadeh (ed.), Tehran, 1974, pp. 254-266.
38. Seyrig, *op. cit.*, pp. 115-116; Chirshman, *op. cit.*, pp. 130, 194-195.
39. R. Frye, "Mithra in Iranian Archaeology", *Acta Iranica* IV, 1978, pp. 205, 206, 211.
40. Hansman, *op. cit.*, pp. 235-237.
41. Chirshman, *op. cit.*, p. 89.

۳۲. مهدی رهبر، «کاوشهای باستان‌شناسی در کلالک شوشتر»، یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، ۲۵-۲۸ فروردین ماه ۱۳۷۳، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶، ص ۱۷۵-۲۰۸.

۳۳. مهدی رهبر، گزارش فصل اول کاوشهای صالح داود، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹ (منتشر نشده).